



🚀 فرهنگ های مختلف گستره جغرافیایی و تاریخی یکسانی ندارند، در طول زمان در یک سرزمین واحد، فرهنگ های متفاوتی پدید می آیند و در زمان واحد در سرزمین های متعدد فرهنگ های گوناگون شکل می گیرند.

فرهنگ جهانی: فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می کند.

🚀 فرهنگ هایی که نگاه سلطه جویانه داشته باشند به سمت جهانی شدن گام بر میدارند حتی اگر ناظر به قوم و منطقه ای خاص باشند. **گروه آموزشی عصر**

فرهنگی که عقاید، ارزش ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه ای را که عقاید و ارزش های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می نامد.

فرهنگ‌هایی که به سمت جهانی شدن گام بر میدارند	
گونه نخست	گونه دوم
فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن ناظر به قوم یا گروه خاصی است ← چنین فرهنگی جهان را به مناطق دوگانه تقسیم می‌کند/ یکی منطقه مرکزی و دیگری پیرامونی: منطقه پیرامونی در خدمت منطقه مرکزی/ صهیونیسم یا سرمایه‌داری.	فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن در خدمت گروه یا قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان‌ها را به دنبال دارد/ از عقاید و آرمان‌های مشترک انسان سخن می‌گوید.

فرهنگ صهیونیسم: آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی (یهود) می‌داند/ با رویکرد دنیوی دیگران را در خدمت این نژاد به کار می‌گیرد.

فرهنگ سرمایه‌داری: کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد/ کشورهای دیگر را در حاشیه و پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

🌐 ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب:

۱. **حقیقت:** وجود معیار و میزانی برای تشخیص صحیح و غلط بودن اندیشه‌ها و افکار و اعمال/ اگر حقیقتی نباشد معیاری برای سنجش عقاید و ارزش‌ها وجود ندارد در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

۲. **معنویت:** پاسخ به پرسش‌های بنیادین درباره مرگ و زندگی/ پاسخ به نیازهای ابدی و معنوی/ اگر فرهنگی دارای معنویت نباشد دچار بحران روحی و روانی می‌شود.

۳. عدالت (قسط): مانع دوقطبی شدن جهان و بهره‌کشی ظالمانه می‌شود / مانع پایمال شدن حقوق انسان‌ها می‌شود / از تفرقه بین جوامع و تباہ ساختن منابع و امکانات جلوگیری می‌کند / فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد.

۴. حریت (آزادی): آزادی از قید و بند‌هایی که مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی می‌شوند / آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ / آزادی همواره از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است / آزادی در کنار ویژگی‌های دیگر معنای خود را پیدا می‌کند.

۵. مسئولیت و تعهد: برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند / نقش انسان‌ها در تایین سرنوشتشان را انکار می‌کنند / در صورت نبودن مسئولیت: قدرت مقاومت از آدمیان گرفته می‌شود / به موجوداتی منفعل تبدیل می‌شود / زمینه نفوذ سلطه‌گران فراهم می‌شود. (در فرهنگ جبرگرا انسان نمی‌تواند آینده‌اش را بر اساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم است)

۶. عقلانیت: پاسخ به پرسش‌هایی بنیادین بشر درباره انسان و جهان / اگر نتواند پاسخ دهد توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد / پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر تاریخی بر اساس عقاید و ارزش‌ها بنیادین. (پیدایش عرفان‌های دروغین، نوعی پاسخ‌گویی کاذب به نیازهای معنوی انسان است)

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir